

چرا سیاست‌گریزی؟

این جا حتی نفس کشیدن ما هم سیاسی ست



با سلام و درود خدمت کارگران و بازنشستگان عزیز که با اعتراضات منظم و دامنه‌دار خودشان شعله‌های مبارزات کارگری ایران را زنده نگاه داشته‌اند. ما حتی اگر در این مرحله به مطالبات خود دست پیدا نکنیم، باز هم دو دستاورد مهم داشته‌ایم. اول این که به قدرت و توان سازمان دهی خودمان آگاهی پیدا کردیم، و دوم اعتماد به نفس ما افزایش پیدا کرد. دمتان گرم. دست همه شما درد نکند.

ما امروز بی مقدمه به سراغ چند سؤال و اظهار نظر که از طرف رفقای کارگران به دست ما رسیده می‌رویم.

- ۱- ما دنبال حقوق خود هستیم ولی نمی‌شود وارد مبارزه رودررو شد چون ما خواهان آن نیستیم.
- ۲- آیا با شرکت در تشکل‌های اسلامی می‌توانیم راه را برای مبارزات و خواسته‌های مان باز کنیم و اعتصابات را پیش ببریم؟
- ۳- کارکنان ارکان ثالث وارد بازی‌های سیاسی نمی‌شوند. در راستای مطالبه‌گری عمل خواهند کرد.
- ۴- ما خواهان دنبال روی کردن کارگران به جریانات سیاسی نیستیم و خواهان سیاسی شدن نیستیم.
- ۵- دوست عزیز اعتصاب مال جا و زمانی ست که کل نیروها یک مدل باشند نه جایی که بنده شیفت هستیم و کل کارخونه ۶ تا قراردادی داره. تعدادی وضع مالی پدري خوبه، تعدادی دو شغل، تعدادی هم خود و خانومشون سرکار هستند. کارگران طرف تجمع هم نمی‌آیند چه رسد به اعتصاب!
- ۶- شما می‌خواهید شوراهای کارگری را در ایران بسازید؟
- ۷- مجاهدین خلق هم صحبت‌های مانند شما می‌زنند، فرق شما با آنها چیست؟

با اجازه از رفقای ارکان ثالث شروع می‌کنیم.

رفقا! کارگران هر جاکه با مطالباتی در مقابل صاحب‌کار ظاهر شوند وارد یک عمل سیاسی شده‌اند. ما امروز هم رودرروی نظام ایستاده‌ایم، چه خواهانش باشیم و چه نباشیم. آوردن گارد ویژه برای کارگران ذوب‌آهن مگر رودرویی نیست. دولت و کارفرماها رودرروی را به ما تحمیل می‌کنند. شاید این شکل از مبارزه در کشورهای غربی به مرحله حادی نرسد، چرا که اتحادیه‌های کارگری با دولت سرمایه‌داری می‌نشینند و مذاکره می‌کنند و به توافقاتی می‌رسند، که این خودش یک حرکت سیاسی است. اما در ایران ماجرا فرق می‌کند. ما مطالباتی برحق داریم و دولت به طرفداری از صاحب‌کارها گارد ویژه را به سراغ ما می‌فرستد و تعدادی دستگیر می‌شوند، و ما خواهان آزادی آنان می‌شویم، و یک خواسته غیرصنفاً (سیاسی، دموکراتیک) در سرلوحه مطالبات ما قرار می‌گیرد. در نتیجه اگر ما واقعا با سیاست میانه‌ای نداریم باید از همان اول اعتراضی نکنیم؛ سرمان را پائین بیندازیم و حرفی نزنیم. اما واقعیت زندگی هرروزه، راه دیگری در مقابل ما می‌گذارد. حقوق کارگران که پیش از جنگ ایران و عراق حدود ۸۵۰ دلار بود امروز به ۱۵۰ دلار رسیده و در مقابل، قیمت مایحتاج سر به فلک می‌زند.

شاید منظور شما این است که شما می‌خواهید وارد آن مبارزه سیاسی شوید که قصد سرنگونی دولت را دارد. ما هم با شما هم عقیده‌ایم، امروز وقت طرح این مطلب نیست، اما وقتی زمانش برسد، کارگران از آن حد درگیر شدن هم هراسی ندارند. چرا که در آن زمان موازنه قدرت به شکلی است که دولت دیگر توانایی سرکوب ما را ندارد و ما هم نیرومندتریم، همان اتفاقی که در سال ۱۳۵۷ افتاد. کارگران نفت که آدم‌های فضایی یا سوپرمن نبودند. زمان مناسب بود و آنان توانستند با اعتصاب خودشان و اتصال آن به اعتراضات مردم حکومت را سرنگون کنند.

چیزی که ما می‌گوئیم این است که: برای پیش‌برد همین مبارزه‌ای که امروز می‌کنیم باید تشکیلات مخفی داشته باشیم، مخفیانه سازمان دهی کنیم و مخفیانه هماهنگ کنیم. مگر امروز اعتراضات به سازمان دهی احتیاج ندارد؟ مگر امروز هم رهبرانی نیستند؟ ما می‌گوئیم رهبرانی که علنی هستند به سرعت شناسایی و دستگیر می‌شوند و اعتراضات پراکنده می‌شود و مطالبه‌ای به دست نمی‌آید؛ پس بیاید روش خودمان را عوض کنیم.

طرح مطالباتی مانند افزایش حقوق متناسب با تورم، چه اشکالی دارد؟ کجای این درخواست سیاسی است؟ آیا شما نمی‌خواهید چنین اتفاقی بیفتد؟ کارگران که همین امروز هم دارند این مطالبه را مطرح می‌کنند. می‌گویند بودجه نداریم کارخانه سوددهی ندارد؛ بسیار خوب کارخانه را به دست ما بدهید، ما آن را به سوددهی می‌رسانیم. در پایان کار هم حقوق حقه خود را برمی‌داریم و بقیه سود مال شما، کجای این مطلب سیاسی و یا دنباله‌روی کارگران از جریان‌های سیاسی است؟ ما می‌گوئیم، شما به حساب کارخانه کرور کرور به آقا زاده‌ها و نورچشمی‌هایتان وام دادید و طرف هم پول را بالا کشید و امروز در کانادا جفتک چارکش بازی می‌کند؛ بسیار خوب وام را به ما بدهید. ما شورای خودمان را تشکیل می‌دهیم و وام می‌گیریم و کارخانه را بازسازی می‌کنیم. شما آقای دولت که ادعا می‌کنید وطن پرست هستید، آیا با پیش‌رفت این مملکت مخالفتی دارید؟ حالا از رفیق کارگرمای می‌پرسیم: کجای این درخواست‌ها سیاسی است که شما از آن هراس دارید؟ آن‌ها به هر حال، چه چیزی بگوئیم و چه نگوئیم سرکوب‌مان می‌کنند. تا به حال هم که چیزی تغییری نکرده.

پیشنهاد شما چیست؟ باز هم به همین ترتیب ادامه بدهیم؟ ما که چهل و چهار سال است این مطالبات را به‌هرزبانی که شما تصور کنید، مطرح کرده‌ایم. چه اتفاقی افتاد؟ بالاخره باید جایی روش را تغییر داد یا نه؟. به نظر ما طرح مطالبات انتقالی قدم بعدی ما را روشن‌تر می‌کند. اگر فردا دوباره اتفاقی مانند سال گذشته افتاد، که مطمئناً هم می‌افتد، لااقل ما می‌دانیم چه شعاری را باید مطرح کرد که مردم خیابان هم از ما پشتیبانی کنند. شاید هم بتوانیم کارخانه‌ای را تصاحب کنیم و تولید را راه‌اندازی کنیم.

در پاسخ به دوست کارگرمای درباره اختلاف درآمد: شما درست می‌گوئید. صاحب‌کارها هم تلاش می‌کنند با ایجاد تفاوت بین مافوقه بیاندازند قرارداد، رسمی، پیمانی و موقت؛ یا یکی دوشغل دارد و یا همسرشان کار می‌کند و ترجیح می‌دهند دخالت نکنند. تنها کاری که ما می‌توانیم در این مورد بکنیم، یادآوری مداوم وضعیت هرروزه زندگی ماست. این آدم‌ها باید بدانند که آسیاب به نوبت است. فردا وقتی تورم دوسه برابر شد حتی دوشغله بودن هم پاسخ نمی‌دهد. به همین سی سال گذشته نگاه کنید. چه مقدار از آدم‌هایی که دستشان به‌دهنشان می‌رسید، امروز به‌خاک سپاه نشسته‌اند. این آدم‌ها هم دیریا زود به طرف ما می‌آیند. اما امروز دغدغه ما آن‌ها نیستند، بلکه کارگرانی هستند که به آگاهی کافی برای تشکیل هسته‌های مخفی رسیده‌اند. این‌ها هستند که وظیفه آگاه‌سازی بقیه کارگران را برعهده می‌گیرند. مطمئناً در واحد شما هم از این آدم‌ها وجود دارد. در جستجوی آنان باشید و کمی حوصله به خرج دهید. رم یک‌شبه ساخته نشد.

شوراهای اسلامی هم مکانی نیست که بشود از درون آن مبارزه کرد. به پیشینه سیاسی این شوراها نگاه کنید، این‌ها غیر از ایجاد تفرقه چه کاری کرده‌اند؟ همیشه در خط صاحب‌کارها بودند و وظیفه دیگری به جز شناسایی و کمک به دستگیری فعالان کارگری نداشتند. چه‌طور می‌شود در ظرفی که به‌دستور و هدایت دولت حامی صاحب‌کارها ساخته شده، برعلیه صاحب‌کارها مبارزه کرد. ما باید شوراهای خودمان را بسازیم، شوراهای مستقل، و این کار را شروع هم کرده‌ایم.

در پایان، پاسخ به سؤال دوست عزیزمان که پرسید فرق ما با مجاهدین چیست؟ رفیق جان هر گردی که گردو نیست. هر کس که درباره مبارزه مخفی صحبت کرد که انقلابی نیست. مبارزه مخفی یک روش برای رسیدن به یک هدف است. هدف ما کارگران، سرنگونی مناسبات فعلی و برقراری دولت شوراهای کارگری است؛ اما همان‌طور که می‌بینید مجاهدین همین امروز هم در سراسرهای کاخ سفید و کنگره‌های آمریکا و اروپا در جست‌وجوی تغییر حاکمیت از بالا هستند. ما به خودمان و بقیه نیروهای زحمت‌کش جامعه متکی هستیم و آنان به نیروهای خارجی.

پیروز باشید

- پیش به سوی ساختن هسته‌های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست!
- پیش به سوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!
- پیش به سوی اتحاد عمل سراسری کارگران و تشکیل ستاد رهبری کارگری!
- پیش به سوی برقراری حکومت کارگری و جامعه آزاد سوسیالیستی!

کارگر پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)

پولتن کارگری هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)

<https://t.me/ahvazijava>